

۲۰۹ ۵۲/۱۵۳

با تکیه بر آثار مولانا

صوفی و زبان

www.ketab.ir

نویسنده: ابراهیم امیراوغلو

مترجم: دکتر رحیم کوشش

سبزان

سرشناسه	:	امیراوغلو، ابراهیم، ۱۹۵۶-م.	Emiroglu, Ibrahim
عنوان و نام پدیدآور	:	صوفی و زبان (با تکیه بر آثار مولانا) / نویسنده: ابراهیم امیراوغلو؛ مترجم: رحیم کوشش.	
مشخصات نشر	:	تهران: سبزان، ۱۳۸۰.	
مشخصات ظاهری	:	۳۲۸ ص.	
شابک	:	978-600-117-528-2	
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا	
یادداشت	:	عنوان اصلی: Süfi ve dil : Mevlânâ örneği, 2002.	
موضوع	:	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- نقد و تفسیر	
موضوع	:	شعر عرفانی ترکی -- تاریخ و نقد	
موضوع	:	Sufi poetry, Turkish -- History and criticism	
شناسه افزوده	:	کوشش، رحیم، ۱۳۲۵ - مترجم	
رده بندی کنگره	:	۵۳۰۵PIR	
رده بندی دیویی	:	۱/۳۱۶۸	
شماره کتابشناسی ملی	:	۶۰۹۲۵۴۲	
وضعیت رکورد	:	فیا	



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان عباس موسوی (فرست) - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

صوفی و زبان

(با تکیه بر آثار مولانا)

- نویسنده: ابراهیم امیراوغلو
- مترجم: رحیم کوشش
- ناشر: سبزان
- خدمات نشر: واحد فنی سبزان
- ۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷
- نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
- تیراژ: ۸۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: کامیاب

فروش اینترنتی از طریق سایت ای ای کتاب www.iiketab.com

ISBN 978-600-117-528-2

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۵۲۸-۲

فهرست

مقدمه مترجم	۷
سخنی در آغاز	۱۵
درآمد	۱۹
۱. مولانا کیست؟	۱۹
۲. مولانا، به عنوان یک صوفی	۲۰
۳. خاستگاه اندیشه‌های او	۲۲
۴. اسلوب و شیوه او	۲۶
۵. هنر او	۳۰
۶. مولانا و زبان	۳۵
بخش اول	۳۹
صوفی و سخن	۳۹
۱. سخن از نظر صوفی	۳۹
۱. ۱. سخن و طبیعت سخن	۳۹
۲. ۱. ویژگی سخن و کارکرد آن	۴۱
۳. ۱. هدف سخن	۴۶
۲. انواع سخن	۴۷
۱. ۲. از نظر شیوه‌های بیان	۴۷
۲. ۲. از نظر خاستگاه	۵۹
۳. ۲. از نظر محتوا	۶۰
۴. ۲. از نظر تأثیر روان‌شناختی	۶۱
۳. سخن و محتوای آن	۶۲
۱. ۳. سخن درست و خوب	۶۲
۲. ۳. سخن ناراست و بد	۶۸

۷۱	۴. سخن و تأثیر آن
۷۷	۵. گفتار و کردار
۸۰	۶. سخن و مخاطب
۸۷	۷. آداب سخن
۹۰	۸. ارزش و اهمیت سخن
۹۳	۹. ناپسندگی سخن
۹۴	۱۰. زیان سخن
۹۷	بخش دوم
۹۷	صوفی و کاربرد زبان
۹۷	۱. صوفی و سخن او
۹۷	۱.۱. واژه «صوفی»
۱۰۴	۲.۱. ماهیت و ویژگی‌های صوفی و تصوف
۱۱۶	۳.۱. مقصد صوفی
۱۱۹	۴.۱. دانش و تجربه صوفی و ویژگی‌های سخن او
۱۴۴	۵.۱. صوفی و مخاطب
۱۴۵	۶.۱. محتوای سخن صوفی
۱۴۹	۷.۱. صوفی و معشوق
۱۵۵	۲. صوفی و بیان
۱۵۵	۱.۲. صوفی و ناتوانی در بیان
۱۶۲	۲.۲. دلایل ناتوانی
۱۶۲	۱.۲.۲. دشواری سخن گفتن درباره جان
۱۶۳	۲.۲.۲. در سخن نگنجیدن دل
۱۶۵	۳.۲.۲. به زبان نیامدن حال و لذت
۱۶۶	۴.۲.۲. دشواری بر زبان آوردن عالم غیب و عالم معنا
۱۶۸	۵.۲.۲. دشواری سخن گفتن از خداوند
۱۷۰	۶.۲.۲. معشوق
۱۷۵	۷.۲.۲. عشق
۱۷۸	۳. تعبیرات پارادوکسی و مجازی که نشان‌گر ناتوانی در بیان‌اند

- ۱۷۸..... ۱.۳. یارادوکس، مجاز و نماد
- ۱۸۱..... ۲.۳. دلایل کاربرد تعبیرات متناقض‌نما
- ۱۸۵..... ۳.۳. منطق یارادوکس‌ها و توجیه و تفسیر آنها
- ۱۹۱..... ۴.۳. مولانا و سخنان متناقض‌نمای او

بخش سوم..... ۲۰۱

صوفی و سکوت..... ۲۰۱

۱. اهمیت سکوت و فواید آن..... ۲۰۲

- ۲۰۲..... ۱.۱. سکوت چیست؟
- ۲۰۵..... ۲.۱. لزوم استفاده درست از سخن
- ۲۰۶..... ۳.۱. اهمیت سکوت
- ۲۰۷..... ۴.۱. فواید سخن
- ۲۰۷..... ۱.۴.۱. سکوت، طعام و درمان است
- ۲۰۸..... ۲.۴.۱. روشنی است، دل‌نشین است، خوب است
- ۲۰۸..... ۳.۴.۱. سبب پر شدن و به پختگی رسیدن می‌شود و بر اعتبار آدمی می‌افزاید
- ۲۰۹..... ۴.۴.۱. ثروت‌مندی است، اسرار غیب را می‌آموزد
- ۲۰۹..... ۵.۴.۱. سبب رحمت خداوند و موجب دستیابی به ایمان است
- ۲۱۰..... ۴.۲.۱. عر به آدمی سود می‌رساند و موجب ستودگی او می‌گردد
- ۲۱۲..... ۷.۴.۱. امکان مشاهده را فراهم می‌سازد و سبب آشکار گشتن حقیقت می‌گردد
- ۲۱۲..... ۸.۴.۱. از خطر در امان نگاه می‌دارد در سلامت نگاه می‌دارد و موجب رهایی می‌گردد

..... ۲۱۲

۲. دعوت به سکوت و دلایل آن..... ۲۱۳

- ۲۱۳..... ۱.۲. دعوت به سکوت
- ۲۱۶..... ۲.۲. دلایل دعوت به سکوت
- ۲۱۶..... ۱.۲.۲. توجه کردن به جان و دل و معنا، نه به سخن
- ۲۲۰..... ۲.۲.۲. توجه کردن به حال و طرز زندگی، نه سخن
- ۲۲۶..... ۳.۲.۲. مشاهده لطف خداوند و در آن نیست شدن
- ۲۳۶..... ۴.۲.۲. معشوق
- ۲۴۶..... ۵.۲.۲. عشق

مقدمه مترجم

«خاستگاه عرفان را باید در اعماق جان و سر وجود انسان جست. جست‌وجوی این که چه کسی پایه‌گذار این مکتب بوده یا کدام گروه از دانشمندان آن را به جامعه بشری ارائه کرده‌اند، درست نیست؛ زیرا زمانی که حقیقتی ریشه در هستی انسان دارد، باید آن حقیقت را از خدا دید و از آن به عنوان یک واقعیت خدایی در روح و جان بشر یاد کرد.»^۱

«سرچشمه این حالات خداست و اوست که این واقعیت را به وسیله راهنمایان راه از قوه به فعل می‌رساند؛ اوست که عشق خود را در دل و جان آدمی قرار داده است و اوست که می‌خواهد انسان همه اسباب و امور جهان را برای رسیدن به معشوق حقیقی به کار گیرد.»

«خداوند بزرگ برای آن که به این مایه الهی که امانت او در سر وجود انسان است و از آن تعبیر به حال شده است، جهت بدهد، انبیا و امامان را فرستاد و می‌توان گفت که بر اساس آیات قرآن، بعثت پیامبران هم‌زمان با ظهور این نیازمندی‌ها در روح انسان بوده است. آنان که در راه انبیا و امامان قرار گرفتند، به آنچه باید برسند، رسیدند و به آن بینشی که باید دست یابند، دست یافتند و در این راه، به واسطه رنج عبادت و حرکت در مسیر بندگی از اشراق و تجلی برخوردار گشتند و به مقام معیت رسیدند. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ

۱. آنچه در این بخش با گیومه مشخص شده و منبع آن ذکر نگردیده، با تلخیص و اندکی تغییر، از کتاب «عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، تألیف حسین انصاریان، ج. ۱، صص. ۱ - ۱۲ نقل شده است.

اتَّقُوا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل، ۱۲۸) لِي مَعَ اللَّهِ حَالَاتٌ لَا يَخْتِمُهَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ (روایتی از رسول اکرم).

«آری علت رسیدن انسان به تمام مقامات والای الهی همان حال است و منشأ و مبدأ آن حال که عبارت از احوال معنوی، عرفانی و روحانی است، خداست. پس سرچشمهٔ مکتب عرفان، در وجود انسان، خداست و نباید برای یافتن پایه‌گذار این مکتب به جست‌وجو در تاریخ حیات اندیشمندان پردازیم یا همانند عده‌ای این مکتب را منتسب به بعضی علمای یونان یا هند یا ایران قدیم بدانیم.»

«آنان که برای پاسخ گفتن به این حال و این نیاز دست به دامن کسانی غیر از فرستادگان خدا شدند، به بی‌راهه رفتند و مدعیان عرفان آنان را در طول تاریخ به جاده‌های گوناگون کشانیدند و این تشنگان به جای رسیدن به سرچشمهٔ حیات، در بیابان گمراهی سرگردان شدند و در چاه ضلالت افتادند.»

«راه خدا را تنها به وسیلهٔ انبیا و امامان و قرآن می‌توان یافت و غیر از آنان هرکس در مقام هدایت انسان برآید، او را جز در مسیر غفلت و تاریکی قرار نمی‌دهد.»

«انبیا و امامان سرحلقهٔ عارفان‌اند؛ کسی مانند آنان خدا را نشناخته است و به مانند آنان به دستورات الهی عمل نکرده است. حالی مانند حال آنان نبود و هیچ‌کس مانند آن بزرگواران به مقام قرب نرسید... آنان بودند که بر اثر پاکی وجود و مجاهدت در راه حق، به نبوت و امامت انتخاب شدند تا همهٔ انسان‌ها را به نور حق روشن کنند و جان و دل آنان را آینهٔ تجلی ربانی و اشراق فیوضات سبحانی نمایند.»

«انبیا و امامان بزرگوار ابتدا انسان را به مسئلهٔ توحید توجه دادند و درصدد پاک کردن قلب او از کدورت شرک برآمدند و برای زدودن رنگ کفر از خاطر او کوشیدند و پس از تزکیهٔ دل وی به ارائهٔ طرح و برنامهٔ حرکت او به سوی خدا که عبارت از مجموعه قوانین الهی بود، برآمدند.» «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) حرکت برای خدا و به دستور خدا و از خدا و با تکیه بر خدا و عاقبت رسیدن به مقام قرب خدا و چشیدن شربت شیرین لقای خدا.»

همچنان که مرحوم مطهری نیز نوشته‌اند، «در عرفان و تصوف، خصوصاً عرفان عملی و بالاختص آنجا که جنبهٔ فرقه‌ای پیدا می‌کند، بدعت‌ها و انحرافات زیادی می‌توان یافت